

سند سربلندی ما، فرهنگ و افتخارات تاریفی ماست

معلمان ارجمند و خوانندگان گرامی، امسال در برنامه سالانه مجلات رشد نسبت به نشر و توسعه فرهنگ و معرفی مناسبت‌ها و افتخارات تاریخی کشورمان تأکید بیشتری شده است. از این رو، دو صفحه از محتوای مجله را به این امر اختصاص داده‌ایم. در اجرای این برنامه کوشش خواهیم کرد ضمن معرفی مناسبت‌های تاریخی، هماهنگ با اهداف مجله، برخی شیوه‌ها و راهبردهای ابتکاری را که برای نشر و توسعه فرهنگ و افتخارات تاریخی کشورمان مفیدند نیز معرفی کنیم. بدون تردید در این زمینه از تجربه‌های معلمان و مدیران فرهیخته مدارس کشور و روش‌ها و راهبردهای سودمند سایر کشورها هم استفاده خواهیم کرد. در این شماره توجه شما را به شیوه ارج‌گذاری و ارزشیابی زبان و ادبیات فارسی و جایگاه آن در جهان به وسیله یک استاد فرانسوی جلب می‌کنم تا ببینید که یک استاد اهل فرانسه، با چه مهارت و هنری زبان و ادبیات فارسی را به حضاران در جلسه معرفی می‌کند، طوری که همگان را به تحسین وامی‌دارد. شیوه ارائه مطالب به وسیله این استاد، چنان جذاب و تأثیرگذار بود که متن سخنرانی ایشان به عنوان سندی پرافتخار برای ایران و آن استاد ثبت و ضبط شد. در واقع، مهارت استاد در این بود که پیش از ارائه مطلب به مخاطب‌شناسی پرداخت و بر پایه اطلاعات و آگاهی مخاطبان متن گفتار و شیوه ارائه آن را تنظیم کرد. مخاطبان او کسانی بودند که با زبان فارسی بیگانه بودند ولی زبان و ادبیات فرانسه را به خوبی می‌شناختند، چرا که همه اهل فرانسه بودند. استاد با تدبیری ماهرانه از شیوه مقابله و مقایسه استفاده می‌کند و شعرای ایران و اروپا را در مقابل هم قرار می‌دهد و در سخنان کوتاهی عظمت و شأن چهار شاعر بلنداوازه ایرانی را به حضاران جلسه و جهانیان معرفی می‌کند. زهی افتخار! آری ارائه مطالب و معرفی افتخارات تاریخی، چنانچه با ذوق و اشتیاق همراه باشد و از دانش، فنون و هنرهای آموزش مایه بگیرد و در جهت نیل به اهداف خاصی سیر کند، لاجرم بر دل‌ها می‌نشیند؛ اگر چه آن شیوه سخنرانی باشد که امروزه در میان شیوه‌های تدریس چندان محبوبیتی ندارد!

متن سخنرانی پرفسور «هانری ماسه»، در دانشگاه سوربن پاریس: «من عمرم را وقف مطالعه و بررسی ادبیات فارسی ایرانی کردم و برای اینکه به شما استادان و روشنفکران جهان بشناسانم که این ادبیات عجیب چیست، چاره‌ای ندارم جز این که به مقایسه پردازم و بگویم ادبیات فارسی بر چهار ستون اصلی استوار است: فردوسی، سعدی، حافظ و مولانا.

■ فردوسی هم‌سنگ و همتای هومر یونانی است و برتر از او.



هومر



فردوسی

■ سعدی، اناتول فرانس فیلسوف را به یاد ما می‌آورد و داناتر از او.



اناتول فرانس



سعدی

■ حافظ با گوته آلمانی قابل قیاس است که او خود را شاگرد حافظ و زنده به نسیمی که از جهان او به مشامش رسیده است، می‌شمارد.



گوته



حافظ

■ اما مولانا...

در جهان هیچ چهره‌ای نیافتیم که بتوانم مولانا را به او تشبیه کنم. او یگانه است و یگانه باقی خواهد ماند. او فقط شاعر نیست، بلکه بیشتر جامعه‌شناس است و به‌ویژه روان‌شناسی کامل که ذات بشر را دقیق می‌شناسد. قدر او را بدانید و به وسیله او خود را و خدا را بشناسید. من اگر تا پایان عمرم دیگر حرفی نزنم، بیان همین چند جمله درباره زبان و ادبیات فارسی برایم کافی است. چقدر این شعر زیباست!

در راه طلب عاقل و دیوانه یکیست

در شیوه عشق خویش و بیگانه یکیست

آن را که شراب وصل جانان دادند

در مذهب او کعبه و بتخانه یکیست

از رباعیات دیوان شمس مولانا

آری سند افتخار و سربلندی ما در جهان، فرهنگ و افتخارات

تاریخی ماست. پس بر ماست که همواره آن را پاس بداریم و با

استفاده از روش‌ها و شیوه‌های جذاب در نشر و معرفی آن

بکوشیم تا جاودانه سرفراز بمانیم.

عادل یغما



مولانا

* پی‌نوشت.....

۱. هانری ماسه (۱۸۸۶-۱۶۶۹) استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سوربن پاریس بود. از تألیفات او کتاب‌هایی را که درباره فردوسی و سعدی و آداب ایرانیان نوشته می‌توان نام برد. کتاب «تحقیق درباره سعدی»، در سال ۱۲۶۴ توسط محمدحسن مهدوی اربیلی و غلامحسین یوسفی به فارسی ترجمه شده است.

* منبع.....

دایرة‌المعارف فارسی (به سرپرستی غلامحسین مصاحب)